

عمومی دارد که حال وارد بخش اول بحثمان می شویم.

۱- تعریف مالکیت (۱)

«اختصاص اجتماعی و قراردادی یک موضوع (اعتباری) به یک فرد یا گروه یا جامعه که باینکه حقانیت بالقوه (۲) هرگونه تصرف او در آن موضوع و حقانیت جلوگیری از تصرف دیگران در آن است»

در تعریف اختصاص اجتماعی مثال میزنیم: وقتی میگوئیم عینک من، رابطه عینک با من چه نوع رابطه‌ای است رابطه فیزیکی است یا اجتماعی؟ وقتی میگوئیم دست من، این یک رابطه فیزیکی است، دست جزئی از کل پیکر من است پس رابطه فیزیکی محسوب می شود. عینک من، ساعت من، خودکار من که اینها جزء رابطه اجتماعی هستند در مقابل رابطه فیزیکی، اختصاص اجتماعی، علمی تر است. مالکیت در رابطه بین مالکیت و خودشی معتر من شود و نتیجه آن حق تصرف است وقتی میگوئیم این خودکار مال من است مال من در رابطه با خود شی گفته میشود. مالکیت رابطه‌ای است بین مالک و خودشی که در نتیجه حقانیت تصرف در آن را پیدا می کند.

مالکیت امری است اجتماعی نه طبیعی (فیزیکی). امور اعتباری و اجتماعی به اموری گفته میشود که اگر ذهن بشر کار نکند دیگر

قسمت اول

بسمه تعالی

برای آگاهی از ابعاد و ویژگی‌های اقتصاد اسلامی دانستن نظرات فقها و دانشمندان اسلامی ضروری است و در جهت این ضرورت بود که ما در شماره‌های قبل نظرات امام و آیت... منتظری و مشکینی را مطرح کردیم و از این شماره به درج نظرات شهید مظلوم بهشتی درباره اقتصاد اسلامی می‌پردازیم.



موضوع بحثی که داریم مالکیت است اول فکر می‌کردیم کل اقتصاد در اسلام را بررسی کنیم بعد دیدیم این یک بحث خیلی گسترده‌ای است و چه بسا ما را به مباحثی بکشاند که برای ما فوریت ندارد آنچه که امروز خیلی فوریت دارد بحث مالکیت است.

بحث ارزش، مالکیت، مالکیت خدا و منشاء وجود آن، مالکیت انسان منشاء و حدود آن، انواع مالکیت، مالکیت فردی و انواع آن، مالکیت جمعی و انواع آن، آثار مالکیت که مشتمل بر حق تصرف، حق واگذاری و انتقال قهری است. بنا بر این سرفصلهای بحث ما، مالکیت، انواع مالکیت و آثار مالکیت هستند و در میان این مباحث دو قسمت بسیار حساس است و بحث مادر این دو قسمت گسترده تر خواهد شد یکی بحث مالکیت انسان، منشاء و حدود آن که اصل مسئله است و بعد آثار مالکیت که حق تصرف و بهره برداری و غیره است.

مقدمتا باید گفت که در همه فرهنگهای

خواهیم بگوئیم که همه مالکیت‌ها مشرب، عندولی میگوئیم در جامعه سرمایه داری هم بالاخره براساس همان موازین غیر مشروع، سرمایه‌دار را مالک آن بهره‌ها می‌شناسند و بر این است که سرمایه ملک اوست و حق تصرف در آن را دارد، پس همه مالکیت‌ها صحیح نیست مثلا مسلمان مالک مشروبات الکلی نمی‌شود این قانون یک قرار داد خاص جامعه اسلامی است با مبانی خودش، اما در فرانسه یا آلمان یا نقاط مشابه، نمی‌توانید بگوئید کسی مالک مشروب نیست، پس بحث در تعریف مالکیت است نه آنکه هر مالکیت درست است. منشاء قبول هر مالکیتی در همان جامعه است و حقانیت آن مالکیت بستگی به نوع فرهنگ آن در جامعه دارد.

تعریف دیگری از مالکیت که می‌توان کرد به این نحو است که:

مالکیت رابطه اجتماعی و قراردادی میان یک فرد یا گروه یا یک موضوع است که براساس ملاکهای هر جامعه، بیانگر مشروعیت هرگونه تصرف مالک در آن موضوع و مشروعیت جلوگیری از تصرف دیگران در آن است. (این مشروعیت امری نسبی و متغیر است و در نظامهای مختلف اجتماعی متفاوت است).

تعریف مال

مال چیزی است که دارای ارزش مصرفی باشد و ارزش مصرفی نیز یعنی بدرد خوردن، هرچیز یا کاری که بدرد انسان بخورد یعنی بتواند

جهاد



واقعیت پیدا نمی کند اما رابطه فیزیکی چنین نیست مثل پیوند دست و پیکر که این پیوند چه ذهن در دنیا باشد و چه نباشد وجود دارد. حقانیت چیست؟ این سؤال ممکن است در ذهنتان پیش بیاید. باید گفت با توجه به این نکته که حق در هر جامعه‌ای با دیگر جوامع فرق دارد، فرض این است که حقانیت بعنوان یکی از اصول موضوعه تعریفمان، مفهومی مشخص است. لازم به تذکر است که در اینجا ما نمی

بینید که صحبت از مالکیت است در جامعه فتوالتی، جامعه سرمایه داری، جامعه سوسیالیستی و در جوامع مذهبی ولو به این مقدار که کسی بگوید مالکیت خوبست و یا کسی بگوید بد است، کسی میگوید مربوط به فرد است و یا مربوط به جامعه است، کسی میگوید که ابزار تولید را نمی‌شود به اشخاص داد و یا مالکیت خصوصی بر ابزار تولید درست نیست و یا کسی میگوید هست، پس مالکیت یک تعریف

بصورت مستقیم یا غیرمستقیم یکی از خواستها و نیازهای انسان را ارضاء و تامین کند برای او ارزش مصرفی دارد مثل گندم، سیب، گوشت، شیر، پوست، پنبه، یک تکه چوب، یک شاخه گل، یک نقاشی زیبا و همچنین کار یک آرایشگر، یک پزشک، یک معلم، یک فروشنده دوره گرد و نظایر آنها.

ارزش مصرفی امری است نسبی و متغیر، مثلاً یک کولر در مناطق استوایی دارای ارزش مصرفی است ولی در سرزمینهای قطبی خیر. شرایط جغرافیایی، فرهنگی و مناسبات اجتماعی در کمیت و کیفیت ارزش مصرفی و در اصل بودن و نبودن آن تاثیر دارد. ضمناً اگر چیزی فراوان باشد به آن مال نمی گوئیم یعنی فراوانی آن در حدی باشد که اختصاص به یک انسان پیدا نکند مثل هوا.

۲- منشاء مالکیت

الف: مالکیت خدا، منشاء و حدود آن

منطق فطرت اینطور حکم می کند که اگر کسی خالق چیزی باشد، هستی بخش آن باشد مالک آن شناخته می شود و صاحب اختیار آن هم هست به عبارت دیگر وقتی هرکس صاحب اختیار خودش باشد صاحب اختیار فرآورده های خود هم هست چون این فرآورده ها در حقیقت بخشی از خود اوست و به همین دلیل مالکیت انسان بر کار خود و نتیجه کارش یک امر طبیعی و فطری است و منطق طبیعی و فطری اینرا می پذیرد و چون فرآورده بودن در مورد مخلوقات خدا، برحسب ایدئولوژی کسانی که به خدا معتقدند به معنی تمام و کامل، صادق است بنابراین خدا مالک همه جهان است و چون خالقیت او کامل است مالکیت او هم کامل و بی حد و مرز است. این استنباط ما است از منطق فطری، از آن چیزی که انسان بصورت بديهی به آن حکم می کند و ذهنش آنرا می پذیرد.

منطق فطرت برای پدید آورنده یک شیء حق تصرف کامل در آن را می پذیرد بنابراین اساس، خدا مالک جهان شناخته می شود زیرا او هستی بخش جهان است پس مالکیت خدا بر سراسر عالم امری منطبق با منطق فطرت است.

مالکیت خدا، منشاء و حدود آن از دیدگاه قرآن.

آیه ۶۸ سوره یونس می فرماید: قالوا اتخذ الله ولداً لئلا سبناه هو العفنی، له ما فی السموات و ما فی الارض ان عندکم من سلطان بهذا اتقولون علی الله مالا تعلمون

جهاد

لطف این آیه به این است که جلوتر می گوید اوست بی نیاز مطلق و دنباله آن میگوید (له ما فی السموات و ما فی الارض) فرزند انتخاب کرده؟ والا باد او، پاک و الا باد او، اوست بی نیاز مطلق، هرچه در آسمانها و زمین است مال اوست، شما که بر این ادعا دلیلی ندارید آیا نسبت به خدا مطلبی میگوئید که نمی دانید.

حدود مالکیت خدا

از آنجا که همه موجودات اشیاء از خدا سرچشمه می گیرد مالکیت او نسبت به همه جهان مالکیتی مطلق، بی هیچگونه حد و مرزی است.

* کار مولد از نظر منطق فطری

یعنی منطق سالمی که در آن فریبکاری و مغالطه نباشد منشاء مالکیت شناخته میشود.

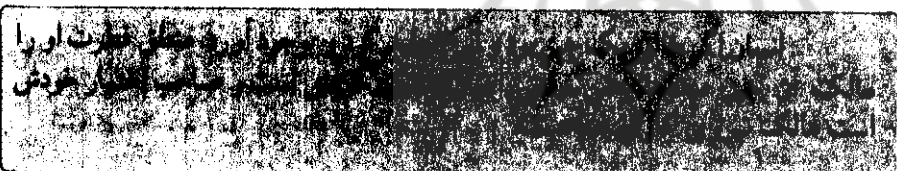
ب مالکیت انسان، منشاء و حدود آن

در نظامهای موجود اجتماعی به عیان می بینیم که فرد انسان یا گروه انسان را مالک یک چیز می دانند. تقریباً در همه جامعه های بشری امروز، صرفنظر از سیستم اجتماعی، می بینیم که اصل مالکیت (مالکیت انسان نسبت به یک موضوع) در فرهنگ آن جامعه وجود دارد. چه در

واقعیت نیست مثلاً در زمان شاه مردم تلاش می کردند که حکومت شاه از بین برود و به جای آن حکومت مردمی اسلامی تشکیل شود در آن موقع حکومت مردم حقیقت بود ولی هنوز واقعیت نبود. همین امروز، این نظام تولید ضد حق است یعنی آنچه به عنوان واقعیت روابط اقتصادی وجود دارد این حقیقت نیست ولی واقعیت است اما حقیقت آن چیزی است که هنوز وجود ندارد و ما در پی واقعیت بخشیدن به آن هستیم. و از طرفی نظام عادلانه تولید و توزیع بر طبق

معیارهای اسلامی یک حقیقتی است که هنوز واقعیت پیدا نکرده است جمهوری اسلامی امروز برای ما حقیقت است و هم واقعیت، پس حقیقت عبارت است از آنچه که باید باشد ولو اینکه هنوز رخ نداده باشد و واقعیت عبارت است از آنچه که هست ولو آنکه نباید باشد. به عبارت دیگر واقعیت آن چیزی است که هست خواه شایسته باشد خواه ناشایست و حقیقت آن چیزی است که شایسته است خواه الان به آن رسیده باشیم و خواه در رسیدن به آن تلاش کنیم.

امروز مالکیت انسان نسبت به یک موضوع، یک واقعیت در زندگی بشر است و می خواهیم ببینیم که چه مقدار حقیقت است و چه مقدار حقیقت نیست ولی یک واقعیت است و برای ما روشن است و احتیاج به بحث ندارد. به این مناسبت در این بحث ما اینطور آورده ایم:



مالکیت انسان در جامعه بشری امروز، اصل رابطه مالکیت میان انسان و بعضی از اشیاء واقعی است انکارناپذیر، اعم از اینکه در همه موارد منطبق یا حقیقت باشد یا نباشد. حال منشاء مالکیت انسان را بررسی می کنیم:

۱- کار خلاق و مولد

همانطور که در مالکیت خدا گفتیم وقتی خداوند خالق و هستی بخش یک موضوع است خود بخود مالک آن شناخته می شود. انسان هم اگر خالق یک چیز بود و آنرا تولید کرد و بوجود آورد، منطق فطرت او را مالک آن چیز می داند یعنی وقتی انسان مالک خودش است و صاحب اختیار خودش هست مالک نیروی کارش هم هست و همینطور مالک نتیجه نیروی کارش. شما وقتی با یک مقدار خاک و آب که در طبیعت موجود است دستتان و فکرتان و همه

بقیه در صفحه ۶۶

جامعه های سرمایه داری و چه در جامعه های سوسیالیستی، پس اصل مالکیت انسان، موضوع عجیب و غریبی که متوجه نشویم، نیست یک واقعیت اجتماعی است (توجه کنید که نمی گوئیم یک حقیقت است بلکه یک واقعیت است).

مفهوم حقیقت و واقعیت

برای اینکه فرق بین حقیقت و واقعیت روشن بشود به این مثال دقت کنید:

در جریان تجاوز آمریکائیان به طیس، آمریکا نه فقط قصد ربودن گروگانها، بلکه به مقاصد شیطانی دیگری هواپیما و هلی کوپتر به ایران فرستاد. این یک واقعیت است یعنی خبر دروغ نیست، اینکار انجام شد و این یک واقعیت است ولی حقیقت نیست پس کارتر کار خلاف حق کرد.

گاهی اوقات هم چیزی حقیقت است ولی

وحدت هر چه ...

وحدت عظیم تقاضا می شود در تمام سخنرانیها و مصاحبه های تلویزیونی گوشش شود تا هر چه بیشتر به انسجام و وحدت کلمه دعوت شود و حرکت اخیر حضرت آیت ... منتظری جهت جشن هفته وحدت مولد الرسول الکریم بزرگترین نشانه آن است

س - با توجه به اینکه مفتی درباری عربستان سعودی برگزار می نماید مراسم مولود رسول اکرم را شرکت دانسته است خواهشمندیم نظر خودتان را بعنوان یکی از روحانیون مبارز اهل سنت بیان فرمائید.

ج - درباره مطالبی که مفتی عربستان سعودی اظهار نموده اطلاع دقیقی ندارم ولی بهر حال یقینا می دانم اگر کسی این مراسم را شرکت بخواند آن کس نادان است و کسی که برخلاف مسلمین این مراسم را شرکت بداند قطعا معلوم است که مزدور یکی از ابرقدرتهای شرق و غرب می باشد. از قرار معلوم کشور سعودی وابسته به امپریالیسم آمریکا است و قهرا مفتی و امثال مفتی هایش نیز تابع سیاست شوم آمریکا باید باشند بنده بعنوان یک طلبه اهل سنت منطقه ترکمن صحرا بنوبه خود اظهارات مذکور را از ناحیه هر کس باشد محکوم مینمایم و آن کس را مزدور مستقیم آمریکا می دانم.

س - بنظر شما مشکل اساسی روحانیون اهل

سنت ترکمن صحرا و حوزه علمیه منطقه چه می باشد؟

ج - بزرگترین مشکل علمای منطقه ترکمن صحرا نداشتن امکانات مادی است چون یک طلبه حداقل ۱۲ سال در مدرسه با مشکلات فراوان و با وضع رقت بار ادامه تحصیل می نماید هیچ گونه کمکهای مادی از طرف مردم نمی شود و در زمان رژیم سابق از دولت هم کوچکترین کمکی نمی شد بلکه اهانت و آزار و اذیت می کردند و یا به سربازی می بردند و ریش طلبه ها را می تراشیدند. پس از پایان تحصیلات شغلی مناسب و ابرومندانه پیدا نمی شود یا اینکه می روند دنبال کاری و تجارت و معاملات و یا اینکه در یک روستا امام جماعت می شوند تا اینکه سرمایه داران آن روستا از خمس و زکوة خود مخارج بعضی از آنان را تأمین می نمایند که این قبیل علما نمی توانند حرف حق بگویند چون وابسته به سرمایه داران می شوند. علمائیکه مشغول کار و کوشش جهت تأمین احتیاجات زندگی می باشند وقتی برای تبلیغ و مبارزه پیدا نمی کنند. مشکل حوزه ها نیز زیاد است، حوزه ها فاقد هرگونه امکانات اولیه می باشند مدارس و حجره ها و مساجد در اکثر روستاها مخروبه است و مردم هم قادر نیستند آنها را ترمیم نمایند. برای

حل مشکلات منطقه موارد زیر باید انجام گیرد:

الف - تقویت علمای منطقه، یعنی در ادارات دولتی و ارگانها و نهادهای انقلابی باید برای آنها ارزشی قائل شوند. متأسفانه مادر منطقه احساس می کنیم که عده ای علما را تضعیف می کنند متهم به طرفداری از فتوادلها و سرمایه دارها میکنند و حال آنکه یقینا ما می دانیم اکثر علمای منطقه از فتوادلها طرفداری نمی کنند بلکه از ضایع شدن حقوق مسلم مردم متوسط دفاع می کنند افراد ناباب و عناصر پلید در کارها نفوذ کردند و اتهامات بی جابه روحانیون میزنند و روحانیت را تضعیف و منزوی می سازند. ب - تقویت مادی جهت مبارزه و تحرک بخشیدن به علما در مقابل زورگویان و مخالفان نظام جمهوری اسلامی اولاً حوزه ها را باید تقویت کرد و به ترمیم مدارس و مساجد پرداخت و حتی به اتمه جماعات باید حقوق داد چون آنها اگر از استثمار در بیابند می توانند فعالیت کنند و برای این فعالیت امکانات بیشتر در اختیار آنها گذاشته شود. برای مدرسین و طلاب شهریه ای تعیین کنند و بهر حال ارزش معنوی و مادی به علمای منطقه داده شود و بقول امام کبیرمان خنثی تضعیف روحانیت تضعیف اسلام است. والسلام

منشاء مالکیت ...

بدنشان را بکار می اندازید و خاک را کرده. ریگ و سنگ را دور می ریزید و خاک چسبیده را از میان آن پیدا می کنید و یا آب آن را گل می کنید و شکلش میدهید و خشت میزنید و در آفتاب خشک می کنید و بعد از روی هم چیدن آنها کلبه ای را که سراسر خشت است درست می کنید. شما کلبه را تولید کرده اید، از کلبه کاری ساخته است که از آب و خاک قبلی ساخته نبود آنوقت که این آب و خاک پراکنده بود به درد اینکه انسان در برابر آفتاب سوزان در آن استراحت کند نمی خورد و یا اینکه در هنگام سرما نمی توانست پناهگاهی برای او باشد و یا از حمله حیوانی او را در امان نگه دارد یعنی آن آب و خاک در آن حالت پناهگاهی نبود و شما با نیروی خلاقه فکر و بدنشان این آب و خاک موجود در طبیعت را به کلبه و سرپناهی تبدیل کردید.

این کلبه تبلور نیروی شماست و این نیرو

که در کلبه مجسم شد، و عینیت خارجی پیدا کرده است رابطه طبیعی و مورد قبول منطق فطرت، میان کلبه، شما را نشان میدهد که برطبق آن رابطه اگر بگویند شما مالک آن کلبه هستید منطق فطرت آنرا می پذیرد و رد نمی کند چون شما مالک خودتان هستید و مالک نیروی کارتان و این کلبه هم تجسم و تبلور خارجی و عینی نیروی کار شماست بطوریکه اگر کسی از شما بپرسد چند روز زحمت کشیدی چه شد؟ میگوید این کلبه حاصل زحماتم است.

پس کار مولد منشاء مالکیت است. در توضیح کار مولد باید گفت کاری است که یک ارزش مصرفی جدید را بوجود می آورد و بر حجم و کمیت ارزشهای مصرفی موجود می افزاید. آب دارای ارزش مصرفی است خاک هم دارای ارزش مصرفی است حال شما به کمک این آب و خاک با کار خلاقتان کلبه ای درست کرده اید، قبل از کار شما ارزش مصرفی کلبه وجود نداشت

با کار شما یک ارزش مصرفی جدید بوجود آمد به تعبیر دیگر نیروی کار شما به یک ارزش مصرفی جدید تبدیل شد، در اینجا می توان نتیجه گیری کرد کار مولد از نظر منطق فطری یعنی منطق سالمی که در آن فریبکاری و مغالطه نباشد منشاء مالکیت شناخته می شود.

ادامه دارد.

(۱) در تعریفهای گوناگونی که در منابع داخلی و خارجیمان نسبت به مالکیت بررسی کرده ایم با توجه به تحلیلی که خود ما در باره مالکیت داشته ایم که بنظر تاز خواهد رسید تعریف فوق را جامع تر یافتیم.

(۲) توضیح بالقوه: گاهی به علت عواملی حق تصرف معده می شود مانند لگد کردن یک پرتقال. اگر شخص مالکی پرتقالش را لگد کند یک گناه کرده که یک کالای مصرفی را از بین برده است و اگر پرتقال را از بین برده و هم تصرف غاصبانه در مال دیگری نمود است پس کسی حق لگد کردن پرتقال را ندارد که ایر مسئله بطور کلی در اسلام مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.